

مطالعات تاریخ فرهنگی؛ پژوهش‌نامه‌ی انجمن ایرانی تاریخ
سال چهارم، شماره‌ی شانزدهم، تابستان ۱۳۹۲، صص ۴۳-۶۴

فرهنگ و آئین حکمرانی در نامه طاهر بن حسین به فرزندش عبدالله

سید محمدرحیم ربانی‌زاده*

چکیده

پژوهش حاضر، درصدد است با بررسی نامه‌ی طاهر به فرزندش عبدالله، دیدگاه وی را درباره‌ی حکومت، رعیت، و رابطه‌ی متقابل آنها تبیین، و آئین حکمرانی در دوره طاهریان را مشخص کند. نتایج تحقیق، مشخص می‌کند نظام مطرح شده در این نامه، از فرهنگ حکمرانی دلالت می‌کند که در مقایسه با دولت‌های نوین، بسیاری از کارکردهای امروزی آن را در برمی‌گیرد. در بررسی عملکرد امرای طاهری، می‌توان آن را دستورالعمل مکتوب و آئین‌نامه حکومتی آنان، و در سطوح بالاتر، به خصوص در دوره‌ی مامون، به عنوان دستورالعمل اجرایی ماموران دولتی دانست. برخی دیگر از یافته‌های پژوهش حاضر، حاکی از تاثیر اندیشه‌ها و شیوه‌های مطرح شده در نامه‌ی طاهر، در خصوص اداره‌ی حکومت و نظرات مالیاتی ایشان بر اندیشه‌های ابن خلدون در مقدمه می‌باشد.

واژه‌های کلیدی: فرهنگ حکمرانی، نامه طاهر بن حسین، عبدالله بن طاهر، طبری، ابن خلدون.

* استادیار گروه تاریخ پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی. (rabbanizadeh@yahoo.com)

تاریخ دریافت: ۹۲/۰۱/۲۵ - تاریخ تایید: ۹۲/۱۰/۰۹

مقدمه

ایرانیان برای اداره حکومت و مملکت‌داری، متون اندرزنامه‌ایی متعددی مانند اندرزهای آذریادِ مهرسپندان، نامه تنسر، عهد اردشیر، قابوسنامه، سیرالملوک (سیاستنامه) و... را به رشته تحریر درآورده‌اند که این آثار، جایگاه مهمی در تاریخ اندیشه‌ی سیاسی ایران دارد. از جمله پیشتازان حوزه اندرزنامه‌نویسی در دوره اسلامی، می‌توان ترجمه‌های ابن مقفع و همچنین نامه‌ی طاهر به فرزندش عبدالله دانست که در تداوم سنت اندرزنامه‌نویسی ایرانی به نگارش درآمده است.^۱ نیاز و ضرورت زمانه‌ی تاریخ میانه‌ی ایران، به بسط اندیشه اندرزنامه‌نویسی یاری رساند و برخی از محققان، سیرالملوک نظام‌الملک را بنا به شهرت مولف و تاثیرگذاری پسینی آن، سرآغاز جریانی می‌دانند که به سیاست‌نامه‌نویسی معروف شده است. در حالی که نامه‌ی طاهر به فرزندش عبدالله، به‌رغم تقدم زمانی نسبت به این اثر، کمتر شناخته شده است. از این‌رو، پژوهش حاضر با تحلیل متن نامه در صدد است مولفه‌ها و شاخصه‌های آن را در باب حکومت‌داری و رابطه حکومت با مردم تبیین و مشخص سازد. پرسش اساسی پژوهش، بر این مبنا است که رویکرد طاهر نسبت به رعیت و حکمرانی بر چه مبنایی استوار است؟ چگونگی اداره حکومت، نحوه برخورد با رعیت، رفاه رعایا، نظارت بر کارگزاران از جمله مهم‌ترین گزاره‌های این نامه می‌باشد. علاوه بر آن، تاثیر نامه بر نظرات و اندیشه‌های ابن خلدون در باب شیوه اداره حکومت و اخذ مالیات نیز اشاره خواهد شد.

طبری،^۲ ابن اثیر^۳ و ابن خلدون^۴ از جمله مورخانی هستند که این نامه را به طور کامل در آثار خود نقل کرده‌اند. گزارش ابن اثیر و ابن خلدون از این نامه، به نقل از تاریخ طبری

۱. بررسی چگونگی و چرایی تداوم این سنت، و تاثیر اندرزنامه‌های پیشینی بر نامه طاهر، خود طرح بحث جداگانه‌ایی را می‌طلبد و نیاز به مجال مستقلی دارد، که خارج از حوزه این پژوهش است.
۲. طبری، (۱۹۶۷)، *تاریخ الرسل والملوک*، تحقیق محمدابوالفضل ابراهیم، ج ۸، بیروت: دارالتراث، ص ۵.
۳. بهترین قسمت آن نامه را در این کتاب ثبت کرده‌ام زیرا دارای ادب و تعلیم مکارم اخلاق و آموختن خصال نیک است هیچکس خواه پادشاه باشد و خواه رعیت از چنین نامه بی‌نیاز نیست؛ ابن الأثیر، (۱۹۶۵)، *الکامل فی التاریخ*، ج ۶، بیروت: دارصادر - داربیروت، ص ۳۷۷-۳۶۴.
۴. ابن خلدون، (۱۹۸۸)، *دیوان المبتدأ والخبر فی تاریخ العرب والبربر و من عاصرهم من ذوی السان الاکبر*، ج ۱، تحقیق خلیل شحاده، بیروت: دارالفکر، ص ۳۸۸-۳۷۶.

فرهنگ و آئین حکمرانی در نامه‌ی طاهر بن حسین به فرزندش عبدالله ۴۵

می‌باشد و در مطابقت با متن عربی تاریخ طبری اختلافی میان آنها مشاهده نشده است، از این‌رو، نقل طبری مورد استناد و تحلیل این پژوهش قرار گرفته است. از جمله دیگر آثاری که به این نامه اشاره داشته‌اند، *مجمل التواریخ و القصص*، است که مولف ضمن ذکر مختصری، آن را برابر عهد اردشیر پاپکان دانسته است.^۱ از آثار متأخرتر، می‌توان اثر محقق سبزواری، *روضه الانوار عباسی* را نام برد که در فصلی جداگانه‌ای، در باب سیم از آداب تدبیر و سلوک پادشاه نسبت به طبقات دیگر، ترجمه فارسی خلاصه‌ی نامه طاهر را آورده است.^۲

در تحقیقات و پژوهش‌های نوین، تحقیق جامعی درباره‌ی نامه طاهر صورت نپذیرفته است. البته در آثار مختلف اشاراتی به این نامه شده است. سلیم ابوطالب در کتاب خود، *اثر المتغیرات الاقتصادية والاجتماعیه علی الفکر الاسلامی فی الدوله العباسیه*^۳ اشاره مختصری به نامه‌ی طاهر، تحت عنوان «اثر الفرس فی الفکر المالّی خلال العصر العباسی» کرده است. عبدالغنی ایروانی‌زاده در مقاله‌ای با عنوان «اثر العهد الامام علی الی الاشر فی کتاب طاهر بن الحسین الی ابنه» با مقایسه‌ی برخی از قسمت‌های دو نامه، به تاثیر نامه‌ی امام علی بر نامه‌ی طاهر پرداخته است.^۴ سعید نفیسی در *خاندان طاهری*، اشاره کوتاهی به این نامه کرده است. منجی الکعبی در اثر خود، *ادب الطاهریین فی خراسان و العراق*، نامه را به طور کامل ولی بدون هیچ شرحی از طبری آورده است.^۵ ایشان در کتاب دیگری به نام *دولة*

۱. *مجمل التواریخ و القصص*، (۱۳۱۸)، تصحیح ملک الشعراء بهار و بهجت رضانی، تهران: کلاله خاور، ص ۳۵۳.
۲. محقق سبزواری، (۱۳۸۱)، *روضه الانوار عباسی*؛ مبانی اندیشه سیاسی و آئین مملکتداری، به کوشش نجف لکزایی، قم: بوستان کتاب قم، ص ۷۱۱-۷۰۰.
۳. سلیم سلیم ابوطالب، (۱۴۲۰)، *اثر المتغیرات الاقتصادية والاجتماعیه علی الفکر الاسلامی فی الدوله العباسیه*، مصر: مکتبه و مطبعه الشعاع الفنیه.
۴. عبدالغنی ایروانی‌زاده، *اثر العهد الامام علی الی الاشر فی کتاب طاهر بن الحسین الی ابنه*، بحوث فی اللغه العربیه و آدابها: نصف سنویه لتقسم الغه العربیه و آدابها، بجامعه اصفهان، العدد ۲، (ربیع - صیف ۱۴۳۱ق/۱۳۸۹ش)، ص ۱۷، ۳۲.
۵. منجی الکعبی، (بی تا)، *ادب الطاهریین فی خراسان و العراق*، جامعه باریس: کلیه الآداب والعلوم الانسانیه، ص ۲۰-۱۱.

الطاهریه فی خراسان و العراق نیز اشاره‌ایی به این نامه کرده است.^۱ آنچه که در این پژوهش مورد بررسی و تبیین قرار می‌گیرد، فرهنگ آیین حکمرانی در نامه مذکور و اثرات این نامه بر اندیشه‌های ابن خلدون می‌باشد، که تاکنون تحقیق مستقلی در این خصوص صورت نپذیرفته است.

دلایل نگارش نامه طاهر به فرزندش عبدالله

این نامه در سال ۲۰۶ ق. در دوره خلافت مامون، به رشته تحریر در آمده است. در خصوص علل نگارش، نوشته‌اند: هنگامی که اوضاع بخش‌هایی از قلمرو خلافت عباسی در سرزمین مصر، آشفته و بحرانی شد و حاکم مصر، احمد بن یحیی توان سرکوب شورش‌ها را نداشت، مامون برای سامان دادن امور، عبدالله بن طاهر را جایگزین وی کرد. اوضاع آشفته آن دیار، نیاز به یک شخص توانا و مدبر داشت که در گفتگوی مامون با عبدالله بن طاهر، دغدغه‌ی خلیفه در انتخاب حاکم شایسته، کاملاً مشهود است. مامون پس از تفأل به قرآن، عبدالله را منصوب کرد.^۲ چون عبدالله رخت سفر بر بست، پدرش طاهر برای او نامه‌ی پندآمیزی نوشت که در آن، رابطه‌ی بین اصول دینی و اخلاقی از یک سو، و حکومت مطلوب از سوی دیگر، به نحوی دقیق و موشکافانه، تبیین شده است. مامون وقتی از نامه‌ی طاهر به عنوان پسرش، عبدالله، آگاه شد دستور داد تا آن را برایش بخوانند، پس از شنیدن نامه گفت: «ابوطیب از کارهای دین و دنیا و تدبیر و رای و سیاست و سامان ملک و رعیت و حفظ بنیاد و اطاعت خلیفگان و بپا داشتن خلافت چیزی نگذاشته مگر آنکه آنرا استوار داشته»^۳ سپس دستور داد تا آن نامه را به عنوان یک دستورالعمل اجرایی، برای تمام کارگزاران بفرستند. ابن خلدون در اهمیت این نامه، نوشته است: «و این نیکوترین دستوری است که درباره سیاست اجتماع بشری بر آن دست یافتیم. [و خدا بهر که

۱. منجی الکعبی، (۲۰۰۵)، *دولة الطاهریه فی خراسان و العراق*، تونس: مرکز النشر الجامعی، ص ۳۷۱.

۲. الکامل، ج ۶، ص ۳۶۳؛ برای مطالعه بیشتر نک: منجی الکعبی، (۲۰۰۵)، *دولة الطاهریه فی خراسان و العراق*، ص ۳۷۲-۳۷۶.

۳. طبری، (۱۹۶۷)، *تاریخ الرسل و الملوک*، ج ۸، تحقیق محمدابوالفضل ابراهیم، بیروت: دارالتراث، ص ۵۹۱.

فرهنگ و آئین حکمرانی در نامه‌ی طاهر بن حسین به فرزندش عبدالله ۴۷

بخواهد الهام میکند»^۱. در این نامه، مهم‌ترین مواردی که حاکم باید برای اداره حکومت، مد نظر داشته باشد به شرح زیر می‌باشد:

- ایجاد سازوکار نظارتی مناسب:

از دیدگاه اندیشمندان علم مدیریت، یکی از اصول مسلم و مورد اتفاق این علم، اصل نظارت و کنترل است.^۲ به عبارت دیگر، یکی از عمده وظایف حاکم، به کارگیری نظارت در محدوده‌ی قلمرو حکومتی خود می‌باشد. نظارت به عنوان یک ضرورت، جهت ارتقای نظام حکومتی، امری حتمی است. نظارت؛ جلوگیری از حیف و میل اموال و به تبع آن، جلب رضایت شهروندان را در یک جامعه به دنبال دارد. بدین ترتیب، مشروعیت و مقبولیت یک حکومت، در گرو ایجاد یک سازوکار نظارتی مدون بر عملکرد کارگزاران است. با توجه به ضرورت این موضوع، گرایش به سوی نادیده انگاشتن مفهوم نظارت، بذر نبودی را درون خود می‌پروراند، چرا که در صورت عدم نظارت، کارکنان و دیوان‌سالاران هر اقدامی را می‌توانند انجام دهند. از این رو، یکی از مهم‌ترین فرازهای این نامه، نحوه نظارت بر عملکرد حاکم است. طاهر نظارت را به دو شکل مطرح کرده است: ۱- نظارت الهی و پاسخگو بودن در مقابل خداوند؛ ۲- نظارت بر عملکرد کارگزاران در این دنیا (دنیوی).^۳

طاهر در این نامه، نظارت بر حاکم و پاسخگو بودن حاکم را در مقابل خداوند منوط به جهان دیگر می‌داند: «چه ایزد ترا برای واجباتی که بر عهده تو فرض کرده است بازخواست میکند و در ایستگاه عدالت قرار میگیری و از تو پرسش میکنند و پاداش و

۱. العبر، ص ۳۸۸.

2. James Stoner & Edward Freeman, *Management*, London, Prentic. Hall, 1992. p. 602.

ابوالفضل صادق پور و جلال مقدسی، (۱۳۷۲)، سازمان، مدیریت و علم مدیریت، تهران: مرکز آموزش مدیریتی دولتی، ص ۱۶۰؛ علی رضائیان، (۱۳۸۳)، مبانی سازمان و مدیریت، تهران: سمت، ص ۴۹۶؛ حبیب‌الله طاهری، «نظارت (اصولی از اصول مدیریت) از دیدگاه قرآن و سنت»، فرهنگ مدیریت، س ۳، ش ۱۰، پاییز ۱۳۸۴، ص ۱۰۲، ۸۹.

۳. تاریخ طبری، ج ۸، ص ۵۸۹، ۵۸۲.

کیفر تو وابسته به پیش و پس انداختن [این تکالیف است]...^۱ وی در ادامه، توصیه می‌کند: «پیوسته آن جهان را بیاد آور و بیندیش که سرانجام بسرای دیگر میروی... و در آنجا همه کردارهای تو مورد پرسش و بازخواست واقع خواهد شد.»^۲ باور به حسابرسی و پاداش و کیفر الهی، اعتقاد به معاد و رستاخیز عظیم، پشتوانه نیرومندی برای احساس مسئولیت و پذیرفتن محدودیت‌های رفتاری و خودداری از ظلم می‌باشد و این نکات، در همان ابتدای نامه مطرح شده است.

ظاهر نظارت جدی در این دنیا؛ را همراه با رعایت قوانین خاص مطرح می‌کند. نظارت به خاطر اطمینان از روند صحیح امور و بنا به نظریه استونر «دلیل دیگر ضروری بودن کنترل، تحت نظارت قراردادان روند پیشرفت کارها و اصلاح کردن اشتباهات است.»^۳ که در حوزه رفتار سازمانی، رابطه فرد را مشخص می‌کند. این نکته، از جمله اصول مهم مدیریتی است که حاکم باید به اطرافیان خود حسن‌ظن داشته باشد؛ و در این نامه به این مهم، اشاره شده است: «و بدانکه حسن ظن ترا قرین نیرومندی و آسایش میکند و بدان آنچه بسندگی آن را دوست داری بسنده می‌کنی. و از این راه دوستی مردم را بخود می‌کشانی و همه کارهایت به بهبود و استقامت می‌گراید.»^۴ بنابراین حکومت باید نظارت را به عنوان یک اصل اساسی بپذیرد. در این صورت، با یک برنامه و راهکار مناسب، می‌تواند جلوی بسیاری از ظلم و اجحاف کارگزاران را به مردم بگیرد؛ زیرا در هر حکومتی ممکن است تمایل به زراندوزی و سلطه‌جویی، کارگزاران را در معرض خطا و خیانت قرار دهد؛ وضعیتی که حکومت را به سوی اضمحلال سوق خواهد داد. یکی از مهم‌ترین علایم و هشدارهای بروز چنین خطری، ثروت اندوزی کارگزاران و منسوبین به آنها یا منصوبین آنهاست. از این رو، حاکمیت به طور مستمر باید بر وضع مالی کارگزاران خود نظارت داشته باشد و نتیجه‌ی نظارت خود را به عامه مردم ارائه کند. البته طاهر، ضمن لزوم حسن‌ظن به کارگزاران، آن را مانع از نظارت نمی‌داند، و توصیه می‌کند که عملکرد آنان باید مورد

۱. العبر، ص ۳۷۸-۳۷۹.

۲. همان.

3. James Stoner & Edward Freeman, p.602

۴. تاریخ طبری، ج ۸، ص ۵۸۴.

فرهنگ و آئین حکمرانی در نامه‌ی طاهر بن حسین به فرزندش عبدالله ۴۹

کنکاش و مراقبت قرار گیرد: «ولی حسن ظن بیاران و همراهان... نباید ترا از جستجو و کنجکاوای در کارها باز دارد و منافی آن نیست که در طرز کار خدمتگزاران و همراهانت بتن خویش مراقبت کنی...»^۱

آنچه طاهر مطرح می‌کند، تنها برای یافتن نقطه ضعف کارگزاران نیست، بلکه جهت سامان دادن امور و جلب رضایت مردم می‌باشد. اصرار وی برای نظارت بر کارگزاران، در حقیقت برای بهبود وضع رعیت می‌باشد. در ادامه‌ی نامه آمده است: «در باره آنچه مایه اصلاح و استقامت حال وی میشود بیندیشی بلکه باید بر گردن گرفتن امور اولیا و بر طرف کردن نیازمندی‌های رعیت و زدودن رنج و مشقت ایشان را بر هر کاری ترجیح دهی و در محافظت رعیت بکوشی. زیرا چنین شیوه‌ای دین را استوارتر می‌سازد و سنت پیامبر را نمودارتر می‌کند»^۲. در مورد شیوه‌ی مجازات و برخورد با متخلفین نکات ظریفی را طرح می‌کند و آن هم نظام تشویق و بزرگ کردن کارهای خوب دیگران و الگو گرفتن متخلفین از این شیوه می‌باشد، که اگر تخلفی از آنان مشاهده شد به چه شکلی برخورد شود: «پس امر ناپسندی را که از سوی یکی از آنان (سپاه یا رعیت) پدید آید از راه در پوشیدن جامه فضیلت دیگری و لزوم عمل کردن بدان، بر طرف کن تا انشاءالله تعالی بکامیابی و رستگاری و صلاح نایل آیی»^۳ پس از این نصایح و مشخص کردن اسلوب کار، برای نظارت بر عملکرد کارگزاران باید سیستمی طراحی و اجرا شود که بتواند بر روند پیشرفت کارها نظارت داشته باشد: «... و به هر یک از استانهایی که زیر فرمانروایی تست کسانی امین گسیل کن تا اخبار مربوط به کارگزارانت را به تو خبر دهند و روش کار و طرز رفتار آنها را برای تو بنویسند تا چنان از وضع کار آنان آگاه شوی که گویی با همه کارگزاران خود در تمام کارهایشان همراهی و طرز رفتار ایشان را بچشم می‌بینی»^۴. نتیجه‌ی این توصیه‌ی طاهر، در دوره مدیریت مستقیم عبدالله بر خراسان، ملموس است و منابع نقل

۱. همان.

۲. همان.

۳. مقدمه، ج ۱، ص ۶۰۰.

۴. تاریخ طبری، ج ۸، ص ۵۸۹.

کرده‌اند که عبدالله خود به شکایت مردم رسیدگی می‌کرد، چرا که بساط عدل را عامل اصلی دوام حکومت خود می‌دانست.^۱

- فرهنگ صحیح اخذ مالیات

از مهم‌ترین بخش‌های اقتصادی هر دولتی، امور مالی، وضع دارائی یک دولت، چگونگی نظام مالی، راه‌های وصول مالیات، وجوه پرداخت و مانند آن است. «مال» تکیه‌گاه اساسی هر کشور است، به همین دلیل در ادبیات سیاسی دوران باستان و میانه، بر این مسئله اتفاق نظر وجود دارد که دو رکن پایه‌ای و ضروری برای بنای دولت و نگه‌داری آن، سپاه و مال است. توصیه‌های خسرو انوشیروان که مسعودی آن را بدین گونه آورده است: «پادشاهی به سپاه پابرجاست و سپاه به مال و بدون مالیات خیری از درآمد نیست و بدون کشاورزی مالیاتی در کار نخواهد بود، و بدون اداره صحیح، کشاورزی وجود ندارد.»^۲ مویده همین مطلب است. امام علی^{علیه‌السلام} نیز به مالک چنین سفارش می‌کند که در امور مالیه کشور، نیک بیندیش و متصدیان خراج را سخت مراقب باش. دارایی، روح مملکت است، سازمان معیشت و حیات جامعه بر ثروت آن گردش می‌کند، بنابراین اگر اوضاع مالی قوم آشفته باشد، انتظام مصر را توقع مدار، مملکت به مثابه خانه‌ای است که ملت خانواده آن را تشکیل می‌دهند. دارایی آبروی آن خانه و مدار زندگی آن خانواده است.^۳

ابن خلدون بنیان ثبات و ماندگاری دولت را بر دو پایه: الف) شوکت و عصیبت یا سپاهیان، ب) مال (پول) که نگاهدارنده سپاهیان است، استوار می‌داند. هر گونه خلل در یکی از این دو پایه نظامی یا اقتصادی موجب خلل در دولت می‌شود.^۴ بدون تردید، از

۱. مقدسی، (۱۳۶۱)، *آفرینش و تاریخ*، ترجمه محمدرضا شفیعی کدکنی، تهران: شرکت مؤلفان و مترجمان، ص ۶۰۴.

۱. بارتولد، (۱۳۵۲)، *ترکستان‌نامه*، ج ۱، ترجمه کریم کشاورز، تهران: بنیاد فرهنگ ایران، ص ۴۶۱.

۲. مسعودی، (۱۳۷۴)، *مروج الذهب و معادن الجواهر*، ج ۱، ترجمه ابوالقاسم پاینده، تهران: علمی و فرهنگی، ص ۲۶۴.

۳. شریف رضی، (گردآورنده)، (۱۳۷۹)، *نهج البلاغه*، ترجمه سیدجعفر شهیدی، تهران: علمی و فرهنگی، نامه ۵۳، ص ۳۳۳.

۴. مقدمه، ج ۱، ص ۵۶۸، ۵۷۵.

فرهنگ و آئین حکمرانی در نامه‌ی طاهر بن حسین به فرزندش عبدالله ۵۱

مهم‌ترین پشتوانه‌های هر دولتی خراج می‌باشد؛ طاهر نیز از این مهم غافل نبوده و برای رعایت عدالت در جمع‌آوری خراج، به رعایت قانون، جلوگیری از عدم پرداخت خراج بزرگان و مقامات دولتی، فخرفروشی و مال‌اندوزی ذی‌نفوذان به فرزندش توصیه کرده و چهار اصل اساسی را برای گرفتن خراج مطرح می‌کند:

۱- برابری: «به کار مهم خراج نیک عنایت کن چه بدان کار رعیت راست می‌شود و بهبود می‌پذیرد و... پس در تقسیم خراج میان خراجگذاران روش حق و برابری و دادگری پیش‌گیر»^۱ در آثار مولفانی مانند ماوردی هم مشاهده می‌شود که این مطلب با همین مضمون آورده شده است. ماوردی در *نصیحة الملوک*، بر این باور است که مالیات ستون و پایه پادشاهی است. بنابراین هیچ چیزی مانند عدل آن را به بار نمی‌نشانند و هیچ چیزی مانند ظلم آن را دور نمی‌کند.^۲

۲- جلوگیری از موقعیت مقامی در کسب منافع اقتصادی: کسانی که از جایگاه و موقعیت خاصی در نزد حاکم برخوردار هستند و از نزدیکان و خواص او به شمار می‌روند، انتظارات و خواسته‌های ویژه و نامتعارفی دارند و سعی می‌کنند با استفاده از نزدیکی خود به حاکم، از این موقعیت بهره‌برداری کنند. بنا به نظریه پورعزت، کارگزاران به ویژه موظف به رعایت عدالت رویه‌ای و مراوده‌ای و توزیعی در اجرای برنامه‌های حکومت‌اند؛ آنها موظفند که با همه به‌طور یکسان رفتار کنند، مجاز نیستند که شخص یا قومی را بر اشخاص دیگر ترجیح دهند.^۳ طاهر بنا به رعایت قانون، برای جلوگیری از سوء استفاده و عدم پرداخت مالیات توسط ثروت‌مندان و ذی‌نفوذان دستگاه حکومتی توصیه می‌کند: «چنان که نباید از میزان خراج شریف بعلت شرف، یا توانگر بسبب توانگری وی دیناری بکاهی و حتی نسبت به هیچیک از خواص و حاشیه‌نشینان و کاتبان درگاه خویش نباید در این باره

۱. تاریخ طبری، ج ۸، ص ۵۸۸.

۲. ماوردی، (۱۴۰۴ق)، *نصیحة الملوک*، تحقیق خضر محمد خضر، الکویت: مکتبه الفلاح، ص ۱۸۸.

۳. امروزه به آن رانت می‌گویند؛ نک: یدالله دادگر، (۱۳۸۳)، *تاریخ تحولات اندیشه اقتصادی*، قم: دانشگاه مفید.

۴. علی اصغر پورعزت، (۱۳۸۸)، *مختصات حکومت حق مدار در پرتو نهج البلاغه امام علی علیه‌السلام*، تهران: علمی و فرهنگی، ص ۱۲۳.

چشم‌پوشی کنی»^۱ و هشدار جدی می‌دهد که از دادن هر گونه امتیاز خاص و موقعیت، به نزدیکان و مقربان درگاه بپرهیزد.

۳- مدارا و میانه‌روی: بنا به دلایل فوق، طاهر، ضمن ترغیب به مدارا و نرمش با افراد پایین‌دست، سیاست مالیاتی خویش را چنین مطرح می‌کند: «ولی به هیچ‌رو روا نیست بیش از توانایی و طاقت مردم از آنان خراج گرفت و ایشان را آنچنان مکلف ساخت که از حد معین خراج تجاوز کنند که به افراط‌کاری و ستمگری منجر شود»^۲.

۴- واقع‌بینی: پرداخت مالیات باید به گونه‌ای باشد که مردم بتوانند آن را از مازاد درآمد - پس از کسر مخارج متعارف زندگی - بپردازند. عدالت در گرفتن خراج، باعث کم شدن شکاف بین مردم می‌شود، و اگر بیشتر از توان آنان، خراج گرفته می‌شد باعث نابودی رعیت و از بین رفتن کشاورزی می‌شود. بنابراین طاهر، حاکم را به واقع‌بینی ترغیب می‌کند پس باید: «... خراج آنچنان گرفته شود که آنرا از مازاد مخارج خویش بی‌هیچ عسرت اعطا کنند»^۳ به نظر می‌رسد ابن‌خلدون در ارائه تئوری مالیاتی خود، از این نامه تاثیر پذیرفته است. بر اساس نظر ایشان، درآمدهای مالیاتی نظام حاکم، به علت شکوفایی کسب و کار افزایش می‌یابد که این شکوفایی، در نتیجه مالیات‌های کم، امکان‌پذیر است، نه مالیات‌های سنگین؛ از این‌رو، می‌توان گفت که او از جمله نخستین نظریه‌پردازانی است که تئوری نرخ بهینه‌ی مالیات‌بندی را ارائه کرده است: «در آغاز حکومت یک خاندان، از نرخ‌ها و اقلام مالیاتی اندک، درآمدهای هنگفت پدید می‌آید؛ اما در پایان حکومت آن خاندان، از نرخ‌ها و اقلام مالیاتی هنگفت، درآمدهای ناچیز تولید می‌شود...، به همین دلیل است که باید برنامه‌ای مالیاتی و طرحی برای کاهش بودجه داشت؛ زیرا کاهش بودجه، مخارج حکومت را کاهش می‌دهد»^۴. ابن‌خلدون با اخذ اندیشه‌های کلی و مقدماتی طاهر بن حسین در زمینه‌ی مالیات، و ارائه تئوری‌های مربوط به حکومت، با رویکرد

۱. تاریخ طبری، ج ۸، ص ۵۸۸.

۲. همان.

۳. همان.

۴. مقدمه، ج ۱، ص ۵۳۸، ۵۳۷.

فرهنگ و آئین حکمرانی در نامه‌ی طاهر بن حسین به فرزندش عبدالله ۵۳

جامعه‌شناسی به مباحث قدرت، قبض و بسط، و نقد آن در تحلیل و تولید اندیشه‌های اقتصادی که از ارکان مهم هر حاکمیتی است پیشرو می‌باشد.

- ایجاد رفاه عمومی

طاهر در خصوص رفاه و آبادانی و تامین و توسعه زیرساخت‌ها، به فرزندش سفارش می‌کند که درآمدهای اضافی عمومی صرف توسعه اجتماعی و اقتصادی شود و از معطل نگه داشتن سرمایه‌ها خودداری شود و این را از وظایف اصلی حکومت بر می‌شمارد. از دیدگاه طاهر، حاکم باید منابع مالی را صرف آباد ساختن شهرها و رسیدگی به امور مردم قرار دهد: «بدان که ثروت و دارایی را اگر راکد گذاری، سودی نخواهد داشت ولی اگر آن را در راه اصلاح حال رعیت و اعطای حقوق آنان به‌کار بری و بوسیله آن بار رنج و مشقت را از دوش خلق بردارند، فزونی می‌یابد و مایه فراوانی نعمت می‌شود و عامه مردم بدان رستگار می‌گردند و والیان بدان آرامش می‌یابند و زمان‌های نیکو و پرفراه پدید می‌آید و مردم به ارجمندی و بزرگی نایل می‌آیند.»^۱ و همین امر باعث گسترش تولید و رفاه و افزایش خود ثروت می‌شود و در ادامه تأکید می‌کند: «کار گنجینه و خزانه تو پراکندن ثروت در راه آبادانی اسلام و مسلمانان باشد.»^۲

تأثیر الگوهای حکومتی طاهر بر جانشینانش، بخصوص دوره حکمرانی عبدالله بن طاهر (۲۱۳-۲۳۰ ق.) که سیاست آباد کردن زمین، سیر صعودی گرفت، را بوضوح می‌توان مشاهده کرد. لذا تلاش عبدالله بن طاهر برای بهبود وضعیت کشاورزی در راستای تعدیل و تنظیم مالیات و جلوگیری از سوءاستفاده مأموران مالیاتی انجام گرفت، چنان‌که او اعلام کرد: «ای مردم خراسان! تا از شما حمایت نکنم، جبابه نخواهم ستاند.»^۳ به همین منظور، عبدالله چند طرح آبیاری را در ماوراءالنهر انجام داد. او هم‌چنین از خلیفه در ساختمان

۱. تاریخ طبری، ج ۸، صص ۵۸۳-۸۴.

۲. همان، ص ۵۸۴.

۳. مقدسی، (۱۳۶۱)، آفرینش و تاریخ، ترجمه محمدرضا شفیعی کدکنی، تهران: شرکت مؤلفان و مترجمان، ص ۶۰۴.

آبراهه بزرگ ولایت چاچ (تاشکند کنونی) دو میلیون درهم کمک مالی گرفت.^۱ این کمک، که ظاهراً برخلاف میل باطنی معتصم انجام گرفته بود آن چنان در آبادانی منطقه مؤثر افتاد که به گفته عوفی تا قرن هفتم این نهر پابرجا بود.^۲

- تامین اجتماعی

حکومت، موظف به تامین حداقل رفاه برای همه مردم بوده و مکلف است حداقل معیشت را برای همگان تضمین کند. آنچه که امروزه در دنیای مدرن، تحت عنوان «دولت رفاه» مطرح شده،^۳ سده‌ها قبل، در این نامه منعکس شده است. طاهر به فرزندش توصیه می‌کند از بیت‌المال وجوهی را برای تأمین زندگی ضعیف، بی‌سرپرستان، یتیمان و سالخوردگان بی‌درآمد در نظر بگیرد و آورده است: «و عنایت خود را از مردم آزاده به ویژه سالخوردگان...، دریغ مدار و ایشان را برگزین و درباره آنان نیکی کن».^۴ از جمله اصول مدیریتی نوین، توجه دولت‌ها، به وضعیت کسب و کار مردم و امنیت شغلی آنهاست، همچنین مال‌دارانی که ورشکست می‌شوند باید به نوعی مورد تفقد قرار گیرند، از این‌رو، مولف نامه به صراحت اشاره کرده است که خداوندان خاندان‌های شریف را که گرفتار نیازمندی شده‌اند مشمول عواطف خویش کن و وسایل معاش ایشان را برعهده گیر و در اصلاح حال آنان بکوش تا کمترین رنجی از بینوایی احساس نکنند و در رفاه بسر برند.^۵

طاهر نه تنها حکومت را موظف به تامین مایحتاج ضروری مردم می‌داند، بلکه به دانستن احوال زندگی آنان؛ بخصوص افرادی که توانایی اداره زندگی روزمره خویش را ندارند و محتاج کمک حکومت هستند، ملزم می‌کند: «و از حال مردمان تیره‌بخت، به ویژه یتیمان و بیوه‌زنان سیه روزگار، تفقد کن و روزی آنان را از بیت‌المال بپرداز... و برای

۱. طبری، (۱۳۷۵)، تاریخ الرسل والملوک، ج ۱۴، ترجمه ابوالقاسم پاینده، تهران: اساطیر، ص ۵۹۵۸.

۲. بارتولد، (۱۳۵۲)، ترکستان‌نامه، ج ۱، ترجمه کریم کشاورز، تهران: بنیاد فرهنگ ایران، ص ۴۶۱.

۳. برای مطالعه بیشتر در خصوص دولت رفاه نک: تونی فیتزپتریک، (۱۳۸۵)، نظریه‌های رفاه جدید، ترجمه هرمز همایون‌پور، تهران: موسسه عالی تامین پژوهش تامین اجتماعی.

۴. تاریخ طبری، ج ۸، ص ۵۸۹.

۵. همان، ص ۵۸۹.

فرهنگ و آئین حکمرانی در نامه‌ی طاهر بن حسین به فرزندش عبدالله ۵۵

نابینایان از بیت‌المال وظیفه خاص تعیین کن.^۱ علاوه بر آن حاکم نیز باید راه‌هایی برای ارتباط مستقیم با این‌گونه افراد را ایجاد نماید تا از برخی ممانعت‌های ماموران حکومت جلوگیری کرده باشد. از دیگر وظایف مهم حکومت‌ها مطابق این نامه توجه به بهداشت عمومی است که نویسنده آن را یکی از وظایف مهم و اصلی حاکم برشمرده و حتی برآوردن خواهش‌های شخصی بیماران را تا جایی که در مصرف اموال عمومی و بیت‌المال زیاده‌روی نشود؛ توصیه می‌نماید: «برای بیماران... بیمارستان‌هایی برپا کن و بیماران را در آنها پناه ده و متصدیان و پرستارانی برای بیمارستان‌ها برگزین که به حال بیماران رسیدگی کنند و پزشکانی را برگمار که دردها و بیماری‌های ایشان را درمان سازند و آرزو و خواهش‌های آنان را تا آن جا که مایه اسراف بیت‌المال نشود برآورد...»^۲

طاهر در این نامه، مقبولیت و مشروعیت حاکم را در گرو رضایت عمومی رعیت دانسته؛ که بواسطه‌ی خدمات حکومت به مردم ایجاد می‌شود. آنچه که امروزه تحت عنوان رضایت شهروندان، از حاکمیت مطرح شده است. این امر به نوعی مورد توجه طاهر بوده است: «و به سبب آن که احسان و نیکی تو شامل حال عموم می‌شود همه مردم رام می‌گردند و فرمان ترا بهتر پیروی می‌کنند و به هر چه اراده کنی آن را در نهایت گشاده‌رویی و رضامندی می‌پذیرند.»^۳ تمام تلاش وی، رفاه و جلوگیری از فشار بر مردم و نوید آینده‌ای روشن برای رعیت است. این امر موجب می‌شود که آنها به راحتی مالیات بپردازند. اگر احسان و نیکی حاکم، شامل حال مردم شود آنان با طیب خاطر به پرداخت مالیات رو می‌آورند. به عنوان نمونه، در اوایل خلافت عباسیان، اهالی یزد خراج خود را برخلاف دوره بنی‌امیه، به موقع پرداخت کردند. هنگامی که ابومسلم بر یزد مسلط شد، این شهر در زیر فرمان ابوالعلاء؛ عامل اموی، قرار داشت که با اهانت روا داشتن به احساسات مردم در دید مردم هیچ‌گونه مقبولیتی نداشت. پس از تصرف یزد توسط ابومسلم، مردم بی‌درنگ خراج خود را به حکومت عباسی پرداختند.^۴ طاهر نیز به دنبال جایگزین کردن

۱. همان، ص ۵۹۰.

۲. همان.

۳. مقدمه، ج ۱، ص ۴۰۵-۴۰۴.

۴. محمد مفید باققی، (۱۳۴۲)، جامع مفیدی، تهران: چاپ ایرج افشار، ص ۳۸، ۳۷؛ الکااتب، (۱۳۷۵)، تاریخ جدید یزد، تهران: چاپ ایرج افشار، ص ۶۰-۵۹.

چنین فرهنگی می‌باشد، که مردم با رغبت مالیات بپردازند. این اندیشه به نوعی در نظرات ابن خلدون بازتاب یافته است، وی نیز همانند متقدمان خود، بر این باور است که ثروت حکومت، تنها از راه مالیات افزوده خواهد شد و افزایش خراج و مالیات تنها از راه تحقق عدالت و امنیت امکان دارد، در آن صورت مردم دل‌گرم خواهند شد، تولید افزایش می‌یابد و مالیات پرداختی به دولت نیز افزوده می‌شود.^۱

– نظام حقوق و دستمزد

نظام پرداخت مالی بسیاری از حکومت‌ها، در بسیاری مواقع، با نارضایتی مواجب‌گیران نسبت به میزان و نحوه پرداخت مزدشان همراه بوده است. طاهر، در مورد مواجب کارکنان، به تقسیم بندی اشاره می‌کند که حداقل دستمزد آنان را تأمین کند: «از اموال خزانه خویش مبالغی بر دوستان امیرالمؤمنین (خلیفه) که در برابر تو هستند تقسیم کن حقوق آنان را بپرداز و بهره رعیت را به طور وافی و به قدری که امور زندگی و معاش آنان را اصلاح کند در نظر گیر، چه اگر بدین شیوه رفتار کنی نعمت تو پایدار می‌شود و از جانب خدای تعالی مستوجب مزید نعمت می‌گردد و در امر خراج‌ستانی و گردآوری اموال از رعیت و فرمان‌روایی خویش تواناتر می‌شوی.»^۲ طاهر برای کارگزاران سطوح پایین‌تر، پرداخت مزد برای کفایت زندگی آنان و برای کارگزاران ارشد دستمزد بالاتر را توصیه می‌کند: «آن وقت روزی و امور معاش ایشان را بحد کافی و فراوان تأمین کن. چه امر گماشتن چنین کارگزارانی درین پایگاهی که بتو واگذار شده است از مهمترین واجبات تو بشمار می‌رود.»^۳

طاهر به این دلیل دستمزد بالا را پیشنهاد داده است تا با تأمین مالی مدیران، آنان را از خیانت در اموال دولتی برحذر دارد و مانع تعرض آنان به اموال مردم شود. در مورد سپاهیان، با توجه به نقش کلیدی و اساسی سپاه در حفظ و امنیت داخلی و حفاظت از مرزها، با نادیده گرفتن مواجب آنان، احتمال شورش و سرپیچی را به دنبال دارد؛ از این‌رو،

۱. مقدمه، ج ۱، ص ۴۲۵.

۲. تاریخ طبری، ج ۸، ص ۵۸۶.

۳. همان.

فرهنگ و آئین حکمرانی در نامه‌ی طاهر بن حسین به فرزندش عبدالله ۵۷

توصیه می‌کند که پس از رسیدگی در نحوه‌ی ارتقاء درجه آنان «وسایل معاش آنان را به حد کافی فراهم آورد». ^۱ طاهر برای پرداخت دستمزد سپاه خود، پس از حمله به بغداد در سال ۱۹۸ق. از لحاظ مالی سخت در تنگنا قرار گرفت، با دریافت وام از یکی از اهالی شهر بغداد، به مبلغ بیست هزار دینار مستمری چهار ماه سپاهیان را پرداخت کرد. ^۲ طاهر بر این باور بوده است که همه در گرفتن مواجب و مقرری سهیم باشند: «به همه‌ی مسلمانان از خراج ناحیه خود بهره‌ای اختصاص ده». ^۳ در کسب رضایت اتباع حکومت‌ها اصل مهمی وجود دارد؛ هنگامی که مردم احساس کنند، حکومت به رفاه آنان توجه می‌کند، تبعیت و اطاعت به سهولت بیشتری میان رعایا و حاکم ایجاد می‌شود.

شایسته‌سالاری در انتخاب کارگزاران

یکی از شاخصه‌های علم مدیریت، مدیریت منابع انسانی و توزیع مناسب نیروی انسانی است که به کار گماردن اشخاص لایق و شایسته در پست‌های مدیریتی، لازمه آن است؛ زیرا کارگزاران در حکومت، نقش بسیار مهم و خطیری بر عهده دارند. آنان به مثابه مجری خط و مشی‌های حکومت، میان مردم و حاکم قرار می‌گیرند؛ از این رو، اختیار تصمیم‌گیری باید به زبردستانی واگذار شود که صلاحیت و شایستگی‌های لازم را داشته باشند. به همین علت، از دیدگاه طاهر، فرهنگ شایسته‌سالاری و نصب کارگزاران توانمند، از مهم‌ترین اصول گزینش ماموران دولتی بشمار آمده که هیچ‌گونه غفلت از آن پذیرفته نمی‌شود و برای انتخاب کارگزار شایسته چهار شرط را مطرح می‌کند:

۱- از خداوندان رأی و تدبیر و تجربه و بصیرت باشند. ۲- سیاست‌کشورداری را بدانند. ۳- در میان مردم به پاک دامنی مشهور باشند. ^۴ طاهر، حسن شهرت در میان مردم را یکی از دلایل انتخاب کارگزاران می‌داند. هدایت صحیح، باعث جلب قلوب مردم، بسیج توده‌ها

۱. همان، ص ۵۸۷.

۲. تاریخ طبری، ج ۱۲، ص ۵۴۶۲.

۳. همان.

۴. تاریخ طبری، ج ۸، ص ۵۸۸.

و جلب احساسات و عواطف می‌شود؛ زیرا انتخاب کارگزار شایسته، باعث رونق و آبادانی شهرها و فراوانی خراج می‌شود و علاوه بر این موارد ایجابی، در فراز دیگری از نامه‌اش یک نکته سلیبی را هم مطرح می‌کند: ۴- «سفیهان را بر مکش»^۱ این نکته را بعدها غزالی در *نصیحه الملوک*، به این شکل مطرح کرده است: «و پادشاه باید که کار خویش بدست ناسزاواران باز ندهد که اگر بدست ناسزا دهد ملک خویش بیاد دهد و مملکت ویران شود»^۲ در ادامه، بر ضرورت تامین معاش کارگزاران به خاطر عدم تعرض به اموال مردم، تاکید می‌شود: «آن وقت روزی و امور معاش ایشان را بحد کافی و فراوان تأمین کن چه اگر این شیوه فرمانروایی را برگزینی و وظایف و واجباتی را که بر عهده تست انجام دهی مایه مزید نعمت تو از سوی پروردگار خواهد شد»^۳.

- مشورت‌پذیری حاکم

یکی از مولفه‌های اساسی در تصمیم‌گیری، به‌خصوص در سطوح حکومتی، مشورت با صاحب‌نظران و رایزنی با کارشناسان می‌باشد. در گذشته، بنا به نوع سیستم حکومتی، معمولاً حاکمان به افراد خودرای و مستبد معروف بودند و در کنار آنها افراد متملق و چاپلوس فراوان وجود داشتند، که اعمال و رفتار آنان را هر چند اشتباه و نادرست توجیه کرده و آن را مطلوب و بجا جلوه می‌دادند. طاهر برای جلوگیری از این امر، سفارش می‌کند: «و از آزمودگان و خردمندان و خداوندان اندیشه و حکمت دانش و تجربه فراگیر و مردمان فرومایه و بخیل را در رأی زنی و مشورت شرکت مده. و به هیچ رو گفتارشان را مشنویزیا زیان آنان بیش از سود آنهاست»^۴ این بخش از سخنان طاهر را می‌توان با فرازهایی از نصایح غزالی تبیین کرد. غزالی در *نصیحه الملوک*، تقرب به علما را سیاست و تدبیر حاکم می‌داند و ضرورت تقرب به آنان را چنین مستدل می‌سازد: «والی بدان سیاست یابد که همیشه به علما تقرب کند تا علما وی را از ناصواب باز دارند و راه شایستهها نمایند

۱. همان، ص ۵۸۶.

۲. غزالی، (۱۳۶۷)، *نصیحه الملوک*، تصحیح جلال‌الدین همایی، تهران: هما، ص ۱۴۳.

۳. *تاریخ طبری*، ج ۸، ص ۵۸۸.

۴. همان، ص ۵۸۷.

و طریق عدل در آموزند»^۱

- جایگاه رعیت در حکومت و اهمیت آن

از منظر طاهر مهم‌ترین کارکرد حکومت، خدمت به رعیت می‌باشد، برخلاف نظام‌الملک که خدمت به رعیت را برای حفظ و تثبیت موقعیت پادشاه می‌داند؛ ولی طاهر این موارد را به خاطر خدمت به رعیت مطرح می‌کند و نه فقط حفظ موقعیت حاکم. طاهر مکرراً در نامه خود، نسبت به رعایت حال رعیت و شأن وی به فرزندش تذکر داده است: «و رعیت را از مصائب مصون داری»^۲ حال آن‌که نظام‌الملک رعایت حال رعیت و جلوگیری از ظلم بر وی را برای حفظ قدرت پادشاه مطرح می‌کند. هدف غایی وی از این نصایح، بقای سلطنت و سلطان است، اما طاهر فرزندش را در انتخاب خدمتگزاران و همراهان به تیزبینی و دقت فرامی‌خواند تا «رعیت را از مصائب مصون داری ... برطرف کردن نیازمندی‌های رعیت و زدودن رنج و مشقت ایشان را بر هر کاری ترجیح دهی و در محافظت رعیت بکوشی»^۳. در این نامه، ملاقات با کارگزاران نیز برای بهبود وضع مردم و در میان گذاشتن مشکلات آنان طرح می‌شود: «و برای هر یک از کاتبان و کارگزاران در هر روز وقت معین اختصاص ده تا نزد تو آیند و نامه‌ها و اموری را که باید مورد مشاوره قرار گیرد مطرح کنند و نیازمندی‌های کارگزاران و امور استانی را که قلمرو فرمانروایی تست و وضع حال رعیت را بتو باز گویند»^۴. در ادامه تأکید می‌کند شب و روز در نگرهبانی رعیت خویش بکوش.^۵ طاهر سفارش کرده بود از کار رعیت و امور مردم هرگز غفلت مکن زیرا دوام مملکت بسته به وجود و آسایش آنها می‌باشد.^۶

وی بر این باور است که حاکم نباید آزمند باشد؛ از این‌رو، توصیه می‌کند: «آزمندی را از خود دور کن چه باید گنجینه‌ها و اندوخته‌های تو نیکی و پرهیزکاری و اصلاح حال

۱. نصیحة‌الملوک، ص ۱۴۳.

۲. مقدمه، ص ۵۹۵.

۳. همان، ص ۵۹۵.

۴. همان، ص ۶۰۶.

۵. همان، ص ۵۹۲.

۶. الکامل، ج ۱۱، ص ۶۰.

رعیت و آبادان ساختن شهرها و رسیدگی بامور مردم و حفظ خون خلق و دادرسی ستمدیدگان باشد.^۱ اگر حاکم به چنین شیوه‌ای رفتار کند؛ در نتیجه، مردم از رفتار حاکم به نیکی یاد خواهند کرد و به همین علت محبت رعیت را به‌سوی خود جلب خواهد کرد و به‌صلاح و رستگاری رعیت یاری خواهد رساند،^۲ «آنگاه نیکی‌ها و برکات بشهر تو روی می‌آورد و در ناحیه تو آبادانی منتشر می‌شود و در استان تو فراوانی نعمت پدید می‌آید و میزان خراج تو فزونی می‌یابد و ثروت بیکران بدست می‌آوری و می‌توانی بوسیله آن سپاهیان خود را تربیت کنی نیرومند شوی و از راه پراکندن ثروت و بذل و بخشش در میان مردم خشنودی عامه را بدست آوری و آنگاه در نزد دشمن خویش بحسن سیاست و دادگری جلوه‌گر می‌شوی».^۳

طاهر امور قضاوت را نیز برای سامان دادن به اوضاع و احوال رعیت می‌داند: «بدانکه پایگاه امر قضا و داوری در پیشگاه خدا از همه کارها برتر است، زیرا... روزگار رعیت باصلاح می‌گراید و راهها امن می‌شود و ستم‌دیده داد خویش را از ستمگر می‌ستاند».^۴ وی ایجاد یک نظام قضایی سالم را به این خاطر مطرح می‌کند که مردم بدون دغدغه و دردسر به حق خود نایل آیند. وقتی یک نظام قضایی سالم وجود داشته باشد؛ امور معیشت آنان بدون دست‌درازی زورگویان تامین می‌شود، و مهم‌تر این‌که «همه امور در مجاری خود جریان می‌یابند».^۵ تاثیر این اندیشه بر جانشینان طاهر، خصوصا عبدالله، نمایان است، زیرا در مجموع، حکومت پانزده ساله عبدالله در خراسان، با چنان موفقیتی همراه بود که به روایت یعقوبی، هیچ‌کس بیشتر از او به چنین توفیقی دست نیافته بود.^۶ عبدالله اعلام کرده بود: «ای مردم خراسان تا از شما حمایت نکنم، جبابه نخواهم ستاند»^۷ سفارش طاهر در

۱. همان، ص ۵۹۷.

۲. همان، ص ۶۰۲.

۳. تاریخ طبری، ج ۸، ص ۵۸۸.

۴. همان، ص ۵۸۷.

۵. همان.

۶. یعقوبی، (۱۳۷۱)، تاریخ یعقوبی، ج ۲، ترجمه محمدابراهیم آیتی، تهران: علمی و فرهنگی، ص ۵۰۸.

۷. آفرینش و تاریخ، ص ۶۰۴.

فرهنگ و آئین حکمرانی در نامه‌ی طاهربن حسین به فرزندش عبدالله ۶۱

مورد عدم تعجیل در خون‌ریزی و حفظ دماء^۱ توسط جانشینان ایشان کاملاً رعایت می‌شد. به عنوان نمونه، هنگامی که طاهربن عبدالله در جنگ با عبیدالله بن سری، در حال پیروزی بود؛ وقتی درخواست تسلیم شدن ایشان را دید اظهار داشت؛ برای جلوگیری از خون‌ریزی، حاضر بودم گونه‌ام را بر روی زمین بگذارم.^۲

مکاتبات عبدالله به کارگزارانش آن‌گونه بود که گردیزی از آن به «رسمهای نیکو» یاد کرده است و در حقیقت می‌توان آن نامه‌ها را خلاصه‌ی نامه طاهر نامید: «که حجت بر گرفتیم شما را، تا از خواب بیدار شوید! و از خیرگی بیرون آید، و صلاح خویش بجوید، و با برزگران ولایت، مدارا کنید! و کشاورزی که ضعیف گردد، او را قوت دهید! و بجای خویش باز آرید! که خدای عزوجل از دست‌های ایشان طعام کرده است، و از زبان‌های ایشان سلام کرده است، و بیداد کردن بر ایشان حرام کرده است».^۳

ابن خلدون، در بیان این‌که در جامعه‌ی بشری ناچار، باید روشی به‌کار رود که بدان وسیله نظم و ترتیب امور اجتماع برقرار شود و لازمه این کار را وجود حاکم می‌داند، که فرمان وی در میان مردم، گاهی متکی بر شریعت است که از جانب خدا نازل شده، گاهی متکی بر سیاستی عقلی است که مردم در هر دو حالت، فرمانبری از وی را بر خویش واجب می‌شمارند: «سپس باید دانست که سیاست عقلی که آنرا یادآور شدیم بر دو گونه است: یکی آن‌که در آن مصالح «مردم» بطور عموم و مصالح پادشاه در استقامت «نگاه داشتن» ملک او بخصوص مراعات شود و این سیاست بایرانیان اختصاص داشت و متکی بر روش حکمت بود.»^۴ گونه دوم این است که در آن، «مصلحت سلطان و کیفیت استوار شدن پادشاهی از راه قهر و غلبه و دست‌درازی مراعات می‌شود و مصالح عمومی در این روش متفرع بر مصالح سلطان است و این سیاست از آن دیگر پادشاهان جهان، خواه

۱. تاریخ طبری، ج ۸، ص ۵۸۸.

۲. ولایة مصر، صص ۲۰۵، ۲۰۴؛ به نقل از امیر اکبری، (۱۳۸۴)، تاریخ حکومت طاهریان از آغاز تا انجام، مشهد: سمت - بنیاد پژوهش‌های رضوی، ص ۱۷۹.

۳. گردیزی، (۱۳۶۳)، زین‌الآخبار، تصحیح عبدالحی حبیبی، تهران: دنیای کتاب، ص ۳۰۲.

۴. مقدمه، ج ۱، ص ۵۸۹.

مسلمان یا کافر است»^۱. ابن خلدون در ادامه، برای اداره حکومت در اصول و قوانین مزبور، معتقد است که حاکم نخست به شریعت خداوندی توجه کند و آنگاه به نظریات حکما درباره‌ی آداب و رسوم و سیرت پادشاهان، سپس به عقل و تجربه دولت‌های موفق اقتدا کند. وی سپس به عنوان یک نمونه تاریخی، به اندرز طاهر بن حسین به پسرش عبدالله اشاره می‌کند. به همین دلیل به نظر می‌رسد ابن خلدون برخی از اندیشه‌های حکومتی خود را از همین نامه اخذ کرده و سپس آن را بسط داده است.

نتیجه

طاهر در دوره حکومت خویش، برای باز تعریف اداره‌ی درست امور حکومتی و تعلیم آن به فرزندش، نامه‌ای را نگاشت که در آن فرهنگ صحیح آیین حکمرانی را با توجه به آموزه‌های دینی و سنن ایرانی تشریح کرد. برخی از مهمترین شاخصه‌های این نامه، بدین قرار می‌باشد: وظیفه اصلی حاکم، ایجاد رفاه عمومی برای همه‌ی مردم است؛ طاهر در این نامه، آنچه که لازمه‌ی اداره‌ی درست یک حکومت است را طرح می‌کند، که بسیاری از مولفه‌های آن با دولت‌های مدرن امروزی که دولت رفاه نام گرفته‌اند هماهنگ است. تمام افراد جامعه باید بدون دغدغه، یک زندگی آبرومند و در خور شأن داشته باشند. وی به‌رغم گوشزد کردن جهان دیگر، برای پاسخگویی اعمال حاکم، به آن بسنده نمی‌نماید، و ایجاد یک سیستم نظارتی مدون بر اعمال کارگزاران، - به دلیل مسئولیت حاکم در قبال اعمال آنان - را، به فرزندش توصیه می‌نماید. ایشان با سفارش به حاکم در خصوص مشورت با خداوندان اندیشه و خرد، حاکم را از خودرایی و استبداد در رای پرهیز داده و اساس برپایی و بقای حکومت را برای خدمت بهتر به مردم می‌داند، برخلاف اندرنامه‌نویسانی نظیر نظام‌الملک که جلوگیری از ظلم بر رعیت را برای بقا و تثبیت قدرت و سلطه‌ی سلطان توصیه می‌کند، دستورات این نامه توجیه‌گر صرف قدرت حاکمان نیست. این پژوهش، همچنین نشان می‌دهد برخی از آرا و اندیشه‌های ابن خلدون در خصوص اداره حکومت و تئوری مالیاتی ایشان، متأثر از نامه طاهر به فرزندش می‌باشد.

۱. همان، ص ۵۹۱.

فرهنگ و آئین حکمرانی در نامه‌ی طاهر بن حسین به فرزندش عبدالله ۶۳

فهرست منابع و مأخذ

- ابن اثیر، عزالدین أبو الحسن، (۱۹۶۵)، *الکامل فی التاریخ*، بیروت: دارصادر - داربیروت.
- _____، (۱۳۷۱)، *تاریخ کامل؛ تاریخ بزرگ اسلام و ایران*، ترجمه ابوالقاسم حالت و عباس خلیلی، تهران: علمی و فرهنگی.
- ابن خلدون، عبدالرحمن بن محمد، (۱۹۸۸)، *دیوان المبتدأ والخبر فی تاریخ العرب والبربر و من عاصرهم من ذوی الشأن الأكبر*، تحقیق خلیل شحاده، بیروت: دارالفکر.
- _____، (۱۳۷۵)، *مقدمه*، ترجمه پروین گنابادی، تهران: علمی و فرهنگی.
- اکبری، امیر، «سیاست و چگونگی حکومت عبدالله بن طاهر در خراسان» مجله مشکوه، ش ۸۰، ۱۳۸۲.
- _____، (۱۳۸۴)، *تاریخ حکومت طاهریان از آغاز تا انجام*، مشهد: سمت - بنیاد پژوهش‌های رضوی.
- ایروانی‌زاد، عبدالغنی، «اثرالعهد الامام علی الی الشتر فی کتاب طاهر بن الحسین الی ابنه من حیث المضمون» بحوث فی اللغة العربیه و آدابها: نصف سنویه لقسام الغه العربیه و آدابها بجامعه اصفهان، العدد ۲، ۱۴۳۱ق.
- بارتولد، ویلهلم، (۱۳۵۲)، *ترکستان نامه*، ترجمه کریم کشاور، تهران: بنیاد فرهنگ ایران.
- بافتی، محمد مفید، (۱۳۴۲)، *جامع مفیدی*، تهران: چاپ ایرج افشار.
- پورعزت، علی اصغر، (۱۳۸۸)، *مختصات حکومت حق مدار در پرتو نهج البلاغه امام علی علیه السلام*، تهران: علمی و فرهنگی.
- دادگر، یدالله، (۱۳۸۳)، *تاریخ تحولات اندیشه اقتصادی*، قم: دانشگاه مفید.
- رضائیان، علی، (۱۳۸۳) *مبانی سازمان و مدیریت*، تهران: سمت.
- سلیم، سلیم ابوطالب، (۱۴۲۰ق)، *اثر المتغیرات الاقتصادية والاجتماعیه علی الفكر الاسلامی فی الدوله العباسیه*، مصر: الشعاع الفنیه.
- شریف رضی، (گردآورنده)، (۱۳۷۹)، *نهج البلاغه*، ترجمه سیدجعفر شهیدی، تهران: علمی و فرهنگی.
- صادق پور، ابوالفضل و جلال مقدسی، (۱۳۷۲)، *سازمان، مدیریت و علم مدیریت*، تهران: مرکز آموزش مدیریتی دولتی.
- طاهری، حبیب‌الله، *نظارت (اصولی از اصول مدیریت) از دیدگاه قرآن و سنت*، فرهنگ مدیریت، س ۳، ش ۱۰، پاییز ۱۳۸۴.
- طبری، ابو محمد بن جریر، (۱۹۶۷)، *تاریخ الرسل والملوک*، تحقیق محمد ابوالفضل ابراهیم، بیروت: دارالتراث.
- _____، (۱۳۷۵)، *تاریخ الرسل والملوک*، ترجمه ابوالقاسم پاینده، تهران: اساطیر.
- غزالی، ابو حامد، (۱۳۶۷)، *نصیحة الملوک*، تصحیح جلال‌الدین همایی، تهران: هما.

۶۴ مطالعات تاریخ فرهنگی، شماره ۱۶

- فیتزپتریک، (۱۳۸۵)، نظریه‌های رفاه جدید، ترجمه هرمز همایون پور، تهران: موسسه عالی تامین پژوهش تامین اجتماعی.
- الکاتب، احمد بن حسین بن علی، (۱۳۷۵)، تاریخ جدید یزد، تهران: چاپ ایرج افشار.
- الکعبی، منجی، (بی تا)، ادب الطاهریین فی خراسان و العراق، جامعه باریس، کلیه الاداب والعلوم الانسانیه.
- _____، (۲۰۰۵)، دولة الطاهریه فی خراسان و العراق، تونس: مرکز النشر الجامعی.
- گردیزی، ابی سعید عبدالحی، (۱۳۶۳)، زین الاخبار؛ تصحیح عبدالحی حبیبی، تهران: دنیای کتاب.
- ماوردی، ابوالحسن، (۱۴۰۴ق)، نصیحة الملوک، تحقیق خضر محمدخضر، الكويت: مکتبه الفلاح.
- مجمل التواریخ و القصص، (۱۳۱۸)، تصحیح ملک الشعراء بهار و بهجت رمضانی: تهران: کلاله خاور.
- مسعودی، ابوالحسن علی بن حسین، (۱۳۷۴)، مروج الذهب و معادن الجواهر، ترجمه ابوالقاسم پاینده، تهران: علمی و فرهنگی.
- مقدسی، مطهر بن طاهر، (۱۳۶۱)، آفرینش و تاریخ، ترجمه محمدرضا شفیعی کدکنی، تهران: شرکت مؤلفان و مترجمان.
- نظام الملک، ابوعلی حسن طوسی، (۱۳۴۷)، سیرالملوک (سیاست نامه)، به کوشش هیوبرت دارک، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
- یعقوبی، احمد بن ابی یعقوب ابن واضح، (۱۳۷۱)، تاریخ یعقوبی، ترجمه محمد ابراهیم آیتی، تهران: علمی و فرهنگی.

منبع لاتین:

- Stoner, James & Edward Freeman, (1992), *Management*, London, Prentic. Hall.